

# مترفین «سوداگران» ضد توحید

از این عمل عمل نمیتواند باز دارد» و نمیتواند جلوی او ایستاده و اظهار عمل مخالفی بکند. یکی دیگر از خصوصیات «مترفین» در لغت، ظلم و کبر و غرور و جبار بودن آنهاست (۱) راغب اصفهانی میگوید، (ترفه، یعنی گسترش دادن در ثروت و سرمایه و نعمت و بطور کلی «مترف» یعنی؛ ثروتمند جبار، کسی که جمات اقتصادی اش کامل است قدرت سرمایه گذاری و خرید به هر اندازه که بخواهد دارد، قدرت سیاسی هم دارد، و خلاصه به علت قدرتی که دارند زندگی بی بند و باری میکنند و کسی نمیتواند سرراش را که بسوی تباهی هاست بگیرد» (۳)

با این توضیح روشن میشود که: این گروه اجتماعی «مترفین» از طبقات ظالم و ستمگر اجتماع میباشند، اما وضوح نکته فوق احتیاج به کمک از آیات الهی و احادیث اهل بیت دارد. عموماً سیستمهای ظالمانه را چندین گروه تشکیل میدهند، اهم این گروهها را قدرتهای «اقتصادی» و «سیاسی» شکل میدهند، یعنی نیروهانی که سیستم حکومتی از نظر اقتصادی و سیاسی، تابع آنهاست.

قرآن در بعضی مواضع، قدرتهای «اقتصادی» جامعه را از نیروی «سیاسی» جامعه جدا میکند، ولی بطور کلی عمل این دو جریان را در یک مسیر می بیند، مانند مواضعی که از «ملا» در کنار «مترفین» نام میرد، و آنها (ملا) را جزو اعیان و اشرافی می داند که بیشتر دست اندرکار مسائل سیاسی هستند، (۴) ولی همچنانکه گفته شد، جهت حرکتی این دو طبقه و گروه را (ملا و مترف) در حفظ نظام ستمگر و نابود کردن حرکت انبیاء و نذیران یکی می داند (۵) در این نظر «ملا» و «مترف» دو گروه اجتماعی هستند که بر روی هم ساختمان سیاسی و اقتصادی نظامات ظالم را شکل میدهند ولی در بعضی از مواضع «قرآن مجید» این دو گروه را یکی دانسته و از آنها بدین گونه یاد میکند، «وقال الملا من قومه الذين كفروا و كذبوا بآلاء الاخرة و اترفناهم في حياة.. الدنيا...»

و گفتند: اشراف و ثروتمندان آن قوم، کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند: معاد و رسیدن به آخرت را، همانانی که در زندگی ثروتمندشان کردیم...»

امام علی (ع) در کلامی موقعیت اجتماعی این جهاد

مستضعفین، مستکبرین، ملاء مترف، ناس، ظالمین و..... در چند شماره قبل واژه مستضعفین را مورد بحث و بررسی قرار دادیم، و اینک در باره یکی دیگر از واژه های اجتماعی - تاریخی قرآن، به بحث می نشینیم.

**\* یکی از اهداف آیات اجتماعی قرآن**  
«دادن بینش تاریخی و اجتماعی به انسانها از طریق نشان دادن سنتهای تاریخی خداوند است»

بحثی که برای این شماره انتخاب کردیم، موضوع - «مترف» و «مترفین» می باشد. همچنانکه گفته شد، «مترف» یک واژه ای است اجتماعی - تاریخی که در قرآن بمناسبتهای مختلف از آن یاد شده است، و به همین خاطر (اجتماعی بودن واژه) از چند جهت قابل دقت و بررسی است.

- ۱- جایگاه مترفین در نظامات اجتماعی -
- ۲- خصوصیات «مترفین» بعنوان یک طبقه یا گروه اجتماعی،
- ۳- «مترفین» در ارتباط با سنتهای خداوند.

این سه مورد عمده ترین و کلی ترین، «مسئله» است که در خصوص این واژه مطرح است و

«بسم الله الرحمن الرحيم» آیات اجتماعی و تاریخی قرآن، یعنی آیاتی که در آن شرح و سرگذشت، اقوام و تمدنها رفته است، بلحاظ اینکه این آیات ارتباط تنگاتنگی یا حیات و سرنوشت بشریت در تمامی ادوار تاریخ دارد از وضوح و روشنی خاصی برخوردار است. به همین خاطر سنخ آیات (اجتماعی - تاریخی) قرآن، با آیاتی که در آن از کیفیت خلقت و تکوین نظام هستی سخن بیان آمده و مسائل در آن آیات، کلی و بسیار پیچیده بیان گشته فرق دارد.

و شاید همین، وضوح، دلیلی بر «ضرورت» طرح و بحث این گونه مسائل قرآنی باشد، آیات و نشانه هائی را که خداوند در آنها چهره جوامع و تمدنها را ترسیم می کند، بطور کلی از دو خصوصیت و هدف عمده برخوردارند.

- ۱- بررسی ساختمان و ساختار جوامع مختلف، و تقسیم بندی گروه ها و طبقات اجتماعی درون این جوامع و بیان خصوصیات و ویژه گی های هر گروه، و طبقه.
- ۲- دادن بینش تاریخی و اجتماعی به انسانها، از طریق نشان دادن سنتهای الهی. این دو هدف عمده که ذکر شد، در تحلیل آیات اجتماعی و تاریخی قرآن، ارتباط فشرده و پیوسته ای با هم دارند، و عدم توجه به یکی از

نمی توان به بحث درباره «تحول و انقلاب» از دیدگاه قرآن که خود یک سنت الهی است، نشست بدون آنکه به شکل و ساختمان جوامع نظر کرد و بالعکس، نمی توان، مسئله ای درباره یک گروه اجتماعی در قرآن طرح نمود، بدون آنکه توجهی به قوانین و سنتهای خداوند کرد»

موارد دیگر نیز تحت الشعاع همین سه مورد، میباشند.

ریشه لغوی «مترف»

اولین مسئله ای که در بحث از یک واژه قرآنی به نظر می آید، نگاه کردن به ریشه لغوی اش میباشد، روشن شدن این موضوع خود به این گونه بحثها بسیار کمک میکند، ریشه، لغوی «مترف» از «ترف» به معنای تنعم مال بسیار، ثروت و سرمایه انبوه گرفته شده و «مترف» به کسی میگویند، که بخاطر سرمایه و ثروت زیاد «آنچه را اراده میکند بدست میآورد و کسی او را

اهداف فوق تحقیقا «بحث و تحلیل» را دچار اشکالاتی خواهد نمود.

روشن تر بگوئیم، مثلاً، نمی توان به بحث درباره «تحول و انقلاب» از دیدگاه قرآن، که خود یک سنت الهی است، نشست، بدون آنکه به شکل و ساختمان جوامع نظر کرد.

و بالعکس، نمی توان، مسئله ای درباره یک گروه اجتماعی در قرآن طرح نمود، بدون آنکه توجهی به قوانین و سنتهای خداوند کرد.»

قرآن کریم در بحثهای اجتماعی و تاریخی خود از چند گروه سخن به میان آورده، مثل:

اعتقادی عمیق در حد نفی و حذف یکدیگر می باشد، یعنی استقرار حاکمیت خدا توسط انبیاء و اولیاء الهی در زمین حذف و نابودی این قشر را به همراه دارد، و حاکمیت سرمایه داران و مترقین نابودی و محو احکام الهی را، و قرآن چه زیبا این نکته را بما می آموزد.

«و ما ارسلنا فی قریة من نذیر الاقال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون»

و «ما هشدار دهنده ای در هیچ سرزمینی نفرستادیم مگر آنکه رفاه طلبان و «مترقین» آنها گفتند! ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید کافریم»

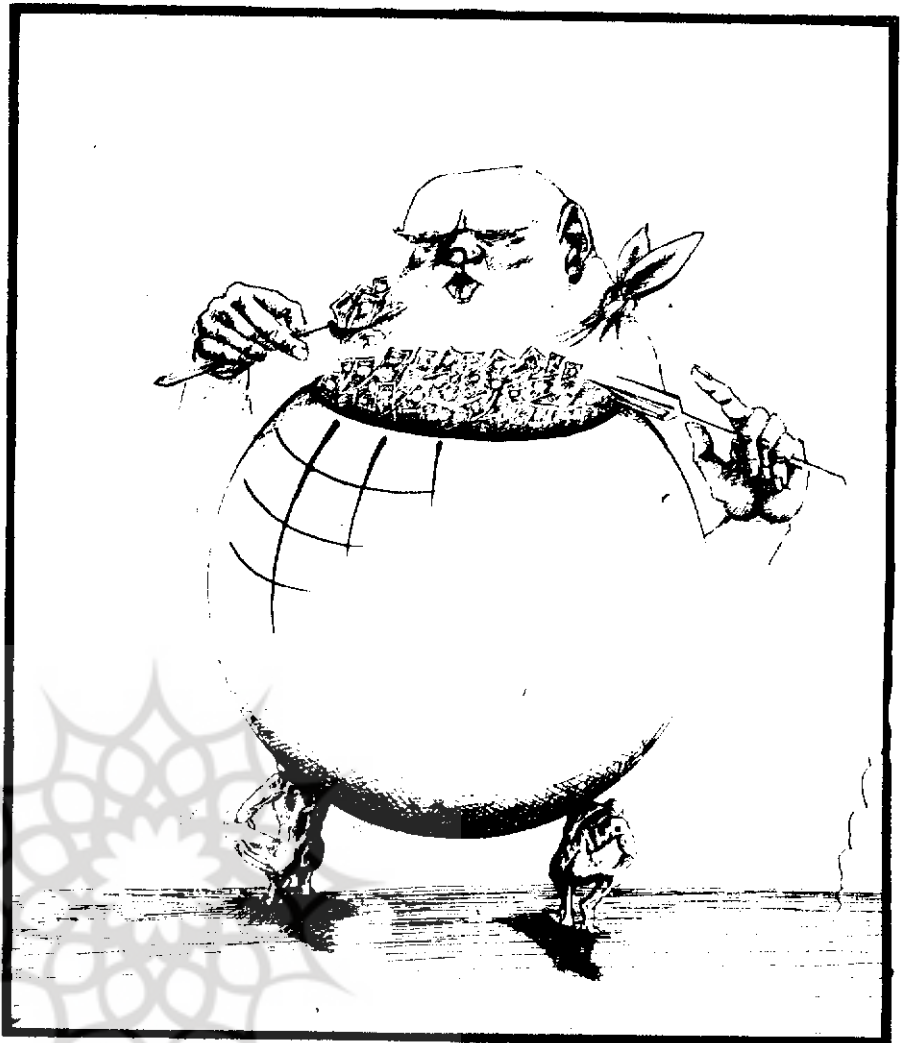
دنباله آیه مطلب فوق را بیشتر روشن می نماید:

«و نحن اکثر اموالا و اولادا و ما نحن بمعذبین»

«ما (مترقین) دارائی و فرزندان (قدرت) بیشتر داریم و ما از عذاب شوندگان نیستیم در این بخش از آیه، خداوند بیخ و گرایش «مترقین» را درست در مقابل انبیاء نشان می دهد، انبیاء و نذیران نقطه اتکاء و اتکالشان خداوند و مردم می باشند در صورتی که «مترقین» درست در جهت مخالف آنها، به قدرت اقتصادی و... خود توجه و تکیه دارند، در جای دیگر، قرآن مجید، به این اختلاف و کشمکش بیشتر توجه داده و آن را در بعدی دیگر مطرح می فرماید!

«و کذالک ارسلنا من قبلک فی قریة من نذیر، الاقال مترفوها، انا وجدنا آباءنا علی امة و انا علی اثار هم مقتدون»

۳۳ - زحرف



**«یکی از خصوصیات اجتماعی - تاریخی این طبقه (مترقین) معارضة و مخالفت تاریخی آنها با رسولان و نذیران و... بوده است»**

«و این چنین ما هیچ رسولی بیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به آنها گفتند: که ما پدران خود را بر آئینی و عقایدی یافتیم و از آنها تقلید و پیروی می کنیم»

این نکته واضح است که اگر مردم و باصطلاح قرآن «ناس» از این گروه مترقین روی برگردانند و زیر بار سلطه آنها نروند، نابودی و مرگ آنها حتمی است، زیرا که حیات این قشر منحصراً بسته به بهره دهی «ناس» مردم است، و در آیه فوق (۳۲ - زحرف) خداوند روشن می نماید که: «مترقین» در برخورد با ایندولوزی و مکتب نذیران و انبیاء که مکتب رهایی و آزادی مردم است، برای انحراف افکار عمومی از این تفکر و مکتب جدید که مایه مرگ و انحطاط اوست مردم را به پاسداری از فرهنگ پدرانشان می خوانند، و همچنین بر ما روشن می شود، که: «مترقین»

درق بزیند  
صفحه ۳۳

گرایشهای الهی در انسان شده و در جهت بندگی و بردگی کشیدن آنها میکوشند (۸) یکی دیگر از خصوصیات اجتماعی - تاریخی - این طبقه معارضة و مخالفت تاریخی آنها با انبیاء و رسولان و نذیران و... بوده است.

در طول تاریخ همواره میان پولداران و اغنیاء و رفاه طلبان از یکطرف و رسولان و نذیران از طرف دیگر (۹) روابطی بوده، که حاکی از برخورد پیامبران و رسولان به هنگام رسالت با این طبقه اجتماعی است، که همواره و در هر مقطعی از عمومیت و مصداق داشته دارد، چرا که پیامبران و نذیران مردم را به عدالت اجتماعی و برادری و برابری می خوانند و این بیش با طرز تفکر و اندیشه سرمایه داران و زراندوزان مغایرت دارد، این مغایرت نه به معنای یک اختلاف سطحی است که یک تضاد اجتماعی و

طبقه را به زیبایی تبیین و روشن می فرمایند! و اما الاغنیاء من مترفة الامم، (۶) «همانا اغنیاء از مترقین جامعه اند»

«کلام امام به خوبی روشن می سازد که: از نظر اجتماعی همه اغنیاء و رفاه طلبان و همه آنها که در خوشی ها و مادیات غرقند در صف مترقین جای میگیرند»

مترقین نیروهانی هستند که بخاطر فرو رفتن در شهوات و امیال نفسانی، به شدیدترین وجه مانع هرگونه شکل گیری و تشکل نیروهای انسانی و خدائی بوده و بخاطر منافع سرشار مادی از سد کنندگان راه خدا میباشند، اغنیائی که برعلیه احکام خدا طغیان می ورزند (۷) کلام امام (ع) در همین رابطه حیطة وسیع این نیروها را در سطح جامعه نشان میدهد، یعنی نه تنها سرمایه داران اسراف گر، که هر غنی خوش گذران که بر اثر بی نیاز دیدن خویش از نظر مادی برعلیه راه خدا و راهبانان و راهنمایانش طغیان و شورش میکنند در طیف مترقین قرار میگیرند، و مجموعه این عناصر با مشخصات اجتماعی فوق قدرتی را تشکیل میدهند، که مانع از رشد

جهااد

# مترفین «سوداگران» .....



خداوند در این آیه این قانون حاکم بر تاریخ را بیان می فرماید که: (۱۳)

هنگامی که در یک جامعه چنین افراد (مترف) فاسق و افسار گسیخته تولد یافتند و رشد کردند، و حاضر نبودند، زندگی ای انسانی را بپذیرند، و بر طبق قانون جنگل با مردم رفتار کردند، و به نصایح ناصحان و دستورات انبیاء و نذیران و اولیاء الهی، گوش ندادند، در حقیقت، به عمر اجتماعی و تاریخی خود پایان داده اند (۱۴). و خداوند بدین گونه قوانین را برای بندگانش بیان می فرماید دریافت قوانین اجتماعی و تاریخی خداوند بهترین سرمشق برای حفظ و حراست، از یک جامعه متکی به شناخت الهی می باشد.

شناخت این قانون مندی هاست که برای ماروش های مبارزه برای حفظ و نگهداری از دستاوردهای یک نظم توحیدی را نشان می دهد. آیه ای که ذکر آن گذشت (۱۶ - اسراء) بما می آموزد، که: برای جلوگیری از انحراف جامعه باید راههای نفوذ و گسترش تفکر و عمل «اتراف گرانه» را در جامعه سد کرد، و دست های فاسد و تباهی آفرین این جریان را قطع نمود، تا جامعه بتواند، صیورت خویش را در سایه استقرار نظام مبتنی بر قسط و عدل و برابری باز یابد. این قانونی است تاریخی که تادست این طبقات آلوده به شرک و وحدت یافته با شیطان قطع نگردد، باز جامعه بسوی فساد و تباهی حرکت خواهد کرد

.... فدمرنا هاتدمیرا  
«والسلام»

(۱) - (۱) المنجمد - اقرب الموارد،

(۲) - مفردات راغب ص ۷۰ - المیزان (عربی) جلد ۱۳ ص ۶۲

بقیه در صفحه ۷۰

صفحه ۳۴

گروهی سلطه گر و گروهی در بردگی و بندگی بسر برند؛ اینجاست که باید به سنت های جاری خداوند در جامعه و تاریخ که قرآن آن را به ما آموخته نظر کنیم.

همچنانکه در اول مقاله گفته شد، آیات اجتماعی قرآن دو هدف عمده را دنبال می کنند، یکی از آنها، «دادن بیش تاریخی و اجتماعی به انسانها از طریق نشان دادن سنتهای تاریخی خداوند است»

اما در اینجا سنوالی پیش می آید و آن این است که سنتهای خداوند چیست؟

البته جواب به این سنوالات خود احتیاج به بحث و گفتگوی بسیار دارد و در یک یا دو مقاله نمی گنجد ولی به اندازه ای که مطلب واضح گردد، اشاره ای به آن داریم.

سنتهای خداوند قوانینی می باشند، که در طبیعت و تاریخ جریان و تداوم داشته و در آنها هیچ تغییر و تغییری نیست، این قوانین و سنتها، از نظرو وقوع در صحنه طبیعت و تاریخ، حمایت دارند، و هیچ تصادف و احتمال را در آنها راه نیست.

«سنته الله فی الذین خلدا من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا» ۶۳ احزاب (۱۲) سنت و قانون خدا جاری بوده در ادوار و امم گذشته و هرگز درست خدا دگرگونی نیست» توضیح این نکته لازم است که: سنن خداوند، از نظر شکل و

حافظان و اقامه کنندگان نظامات کهنه و پوسیده بوده و فکریشان یک تفکر «ضد توحیدی» است، فکری که خواهان برقراری نظامات استثماری و فاسقانه بر روی زمین است (۱۰)

خصوصیات و خصیصه های «مترفین»

امام علی (ع) در نامه ای که به معاویه می نویسد، چهره این طبقه را به بهترین وجه روشن می نماید امام (ع) در این نامه خطاب به معاویه می فرماید!

«فانک مترف قد اخذ الشیطان منک ماخذ و بلغ فیک امله و جرى منک مجرى الروح والدم» «پس همانا «ای معاویه» تو مترقی» و شیطان در تو جای گرفته و به آرزوی خود رسیده و روان شده است در تو، مانند روان شدن جان و خون در وجودت»

امام (ع) در این نامه ضمن اشاره به معاویه او را مترف خوانده و در همین ارتباط، او را سبیل، خصیصه های شیطانی میداند. کلام امام (ع) اشاره به یکی از بارزترین مشخصات «مترفین» دارد، «حلول شیطان در انسان و یگانگی و وحدت یافتن آنها با هم»

این مسئله در طول تاریخ بعنصوان مشخصه ای برای «مترفین» بوده است قدرتهائی که برای از بین بردن خصائل انسانی از هیچ حيله ای باک ندارند، نیروهائی که برای ثروت اندوزی و گسترش انباشته های خود، از

**جهاد یعنی: تروتمند شدن چهار کسی که جهات اقتصادی اش کامل است، قدرت سرمایه قانون و خرید به هزاندازه که بخواهد دارد، قدرت سیاسی هم دارد، و خلاصه به علت قدرتی که دارد زندگی بی بندوبار می کند، و کسی نمی تواند سربارش را که بسوی تباهی هاست بگیرد.**

ظهور و بروزش، منجمد و دارای خصوصیات خارجی مشخص نمی باشد، بلکه در هر دوره ای با شکلی ولی با قانونمندی ویژه گی های عام ظاهر می شوند، مانند تمامی ادوار تاریخ که فسق و فساد تروتمندان، یک قانون برای برهم زدن نظامات استکباری و سرنگونی و هلاکت آنها می باشد، و به این مطلب قرآن کریم تصریح دارد، «واذا اردنا، ان نهلك قرية، امرنا مترفیها ففسقوهیها فحق علیها القول - فدمرنا هاتدمیرا»

«وقتی مرگ یک نظام و جامعه را اراده کنیم، تروتمندان را به فسق و تجاوز و ما می داریم تا محکومیتشان مسلم شده، پس آن جامعه را ویران می کنیم، چه ویران کردنی...»

هیچ عمل ضد انسانی کوتاهی نمی کنند و چه نمونه و سبلی از معاویه ابن ابی سفیان بهتر و تاریخ چقدر زیبا چهره زشت این «قلدران» را در «مصادیق» روش نموده است. و امام (ع) چه نیکو با دست گذاشت بر روی نمونه های اجتماعی این نیروهای ضد خدائی، آیات الهی را تفسیر کرده، بله تاریخ هر کجا از بدبختی های یک قوم سخن بمیان آورده، یک چنین نیروهائی را در کنار آنها به مامعرفی کرده، نیروهائی که بهترین مشخصه شان، تفکر شیطانی، و معاویه گونه ای است، (۱۱)

مترفین و سنن الهی  
اما، آیا تاریخ، ثبوت آنها را تضمین کرده؟  
آیا قرآن و سنت های خدا بر همین قرار گرفته که  
جهاد

## مردم السالوادور.....

خانواده همچنان به حاکمیت خود بر مردم فقر زده و مردم السالوادور ادامه میدادند.

در سال ۱۹۶۰ شورای حکومتی متشکل از افسران آزادیخواه که وابسته به حزب انقلابی اقدام ملی بودند کودتایی علیه رئیس جمهور وقت (خوزه ماریالموس که بعد از مارتیز به حکومت رسیده بود) انجام داده و خود قدرت را بدست گرفتند. حکومت جدید، خود را طرفدار کاسترو معرفی می کرد و به همین دلیل با مخالفت‌های وسیع ۱۴ فامیل (۱) روبرو شد. این حکومت بدلیل ضعفهای زیادی که بر آن حاکم بود بیش از سه ماه دوام نیاورد و در ۱۵ ژانویه ۱۹۶۰ جای خود را به یک هیئت نظامی - غیر نظامی داد.

رژیم جدید برای ابقای خود دست به یکسری اقدامات اصلاحی زده که از آن جمله میتوان به اوضاع مالی، جلوگیری از خروج بی رویه ارز به خارج و... را نام برد. در همین سالها بود که «کندی» برای حفظ منافع آمریکا در امریکای لاتین و مرکزی و برای جلوگیری از نفوذ انقلاب کوبا طرح «اتحاد برای پیشرفت» را ارائه میدهد. این طرح توسط کندی رئیس جمهور وقت آمریکا بوجود آمده بود و سعی و کوشش را بر این گذارده بود که در امریکای لاتین گروههای میانه رو و لیبرال را به قدرت رسانده تا از این طریق اولاً از شدت خصم و انفجار مردم در رنج و ستم کاسته و مانع از انقلاب آنان شود و با دست زدن به یکسری اصلاحات ظاهری و قدرتمند نمودن آبادی خویش، موقعیت خویش در آن کشور تثبیت

نماید. و ثانیاً راه را برای هر چه بیشتر پر نمودن جیب شرکتهای چند ملیتی و وابسته کردن هر چه بیشتر کشور بادردهای کمتری باز کند. بدلیل همسو بودن حکومت جدید با آمریکا، ایالات متحده از آن حمایت کرده و امریکن بانک وام اقتصادی قابل توجهی به آنان پرداخت، اما چون رژیم سه ماهه وابسته به حزب اقدام ملی توانسته بود تا حدی روحیه ضد استثماری را در مردم بوجد آورد و از طرف دیگر چون بار انقلاب کوبا با سوازیه سیاسی و فکری در امریکای لاتین بهم خورده بود، مردم محروم السالوادور ساکت ننشسته و بنای مخالفت را با حکومت جدید گذاردند. رژیم هم برای سرکوب نیازهای مردم به مآجرهای تازه ای دست زد که از آنجمله کاهش قیمت اجاره خانه ها - پرداخت به موقع دستمزدها و ملی کردن بانک مرکزی بود.

پس از مدتی و در سال ۱۹۶۲ «سرهنگ ریوهر» فرمانده شورای مزبور خود را نامزد ریاست جمهوری نموده و در حالی که هیچ حزب دیگری حق شرکت در انتخابات را نداشت با حمایت سخاوتمندانه آمریکا و جاسوسانش در انتخابات پیروز شد و برای ۵ سال بر مسند قدرت نشست پس از او نظامی دیگری بنام «هرناندن» از سال ۶۸ تا ۷۲ بر مردم حکومت می کرد. رئیس جمهورهای بعدی هم جز به اصلاحاتی که بتواند - کت و رضایت کاذب مردم را جلب کند عمل دیگری انجام ندادند. از جمله در حکومت «آرماندو مولینا» تمامی تبلیغات و اصلاحات هیچ اثری مگر هر چه بیشتر به بند کشیده شدن مردم را نداشت.

پس از او (در سال ۱۹۷۵) وقتی ژنرال «رومرو» با پشتیبانی گارد ملی و دستگاه پلیسی و سازمانهای مشابه دیگر قدرت رسید، قتلهای سیاسی توسط سازمانها و احزاب وابسته به آمریکا به اوج خود رسید. رومرو پس از رسیدن به قدرت حمامهای خون به راه انداخت و به سرکوب مردم و مبارزان پرداخت. بعنوان مثال در سال ۱۹۷۹ بیش از هشتصد زندانی سیاسی زیر شکنجه جان خود را از دست دادند، خشونت در السالوادور تا جایی رسید که آمریکا تصمیم گرفت که برای فریفتن مردم به تعویض مهره ها دست بزند و بر همین اساس در سال ۱۹۷۹ با یک کودتای نظامی، رژیم رومرو را سرنگون ساخته و گروهی از افسران جوان برهبری کلنل ماخانو را بر مسند قدرت می نشاند ولی از آنجایی که اینگونه رژیمها هرگز به ثبات سیاسی دست نمی یابند پس از مدتی ماخانو نیز کنار گذارده میشود و اینبار شورای مشترک نظامی و غیر نظامی زمام امور را در دست می گیرد که این شورا بدستور سیستم «سیا» روی کار آمد و در تمام طول عمرش بدون مشورت با دانشگن و کاخ سفید کاری انجام نداد. ادامه دارد.

۱- چهارده فامیل خانواده هایی هستند که نامشان بر سردر ساختمانهای دارای تهریه مطبوع و بانکها و شرکتهای تجاری و کمپانیهای بیمه شهرستان السالوادور نوشته شده است ۱۴ فامیل صاحب مزارع بسیار وسیع قهوه و بنسبه در ایالات مختلف السالوادور بوده و اختیارات حیات اقتصادی و سیاسی السالوادور را در دست دارند و سالیهاست که مانع استقلال واقعی مردم السالوادور هستند

## مترفین سوڈاگران

- (۳) روش تفسیر قرآن، علی تهرانی، ص ۱۹۵  
(۴) - سوره قصص آیه ۲۰  
(۵) سوره هود آیه ۳۸ و قصص آیه ۲۰  
(۶) نهج البلاغه، صبحی الصالح ص ۲۹۵  
(۷) کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی، چنین است، همانا انسان طغیان می ورزد، و آنچه که خود را در غیا و ثروت می بیند،  
(۸) برای بی بردن به مصادیق امروزی این آیه را در جملات زیر به عنوان «جهاد»  
شماره ۲۲ تحت عنوان «تروریزم اقتصادی»  
مراجعة فرمائید.

- (۹) رجوع شود به کتاب انسان متعهد و تاریخ ساز، سید محمد باقر صدر - بخش ۴  
(۱۰) - مفسرین سرپیچی (مترفین) از فرمان و نصایح پیامبران را فسق می دانند،  
المیزان جلد ۱۳ ص ۶۴ و روش تفسیر قرآن ص ۱۹۵  
(۱۱) برای دریافت بیشتر مطلب به سرمقاله «جهاد» شماره ۲۲ - تحت عنوان تروریزم اقتصادی» مراجعه کنید  
(۱۲) همچنین نگاه کنید به آیه ۱۱۵ سوره انعام  
(۱۳) جمع آوردن فعل «آردنا» «آمرنا» و «دمرنا»

خود دلالتی بر این موضوع است ضمن اینکه علامه طباطبائی در المیزان تصریح کرده اند، که امر خداوند، در این آیه امر تشریحی نیست، بلکه امر تکوینی است، المیزان جلد ۱۳ ص ۶۳ (عربی)  
(۱۴) بعضی از مفسرین در این رابطه «فسق» را سرپیچی اشراف از نصایح و دستور انبیاء و خروج از حاکمیت احکام الهی، عصیان دشمنی با نذیران دانسته اند، المیزان جلد ۱۳ ص ۶۲-۶۳  
۶۴ و روش تفسیر قرآن ص ۱۹۵ و ۱۹۶